

تنوری عمومی طب شرقی

مدل انتگرال کانال های سیستم آکوپانکچر

قسمت دوم

سه دوشا و دوازده مریدین

آموزش سه انرژی فیزولوژیک (سه دوشا) هوا؛ صفرا و بلغم یکی از اساسی ترین مباحثی است که به صورت سنگ نوشته از هند باستان به دست آمده و ریشه در طب ایووردا دارد.

بر اساس تعلیمات این طب؛ عناصر سازنده اجزا بدن به دو قسمت تقسیم می شوند:

۱- دفع کننده های بیماری

۲- جذب کننده های بیماری

گروه اول- شامل هفت جز اصلی ترکیبی بدن می باشد. شیره تغذیه کننده شامل: شیره هضم کننده غذا؛ خون؛ ماهیچه ها؛ چربی بافت ها؛ استخوان ها؛ مغز استخوان؛ مایع منی؛ و سه مایع ترشحاتی که شامل عرق؛ ادرار و مدفوع میباشد است.

گروه دوم- شامل سه انرژی فیزولوژی اولیه یا همان هوا؛ بلغم؛ صفرا میباشد. این دو گروه مکمل هم میباشند. اگر این دو گروه با هم در تعادل باشند؛ ارگانسیم سلامت است؛ اگر به هر دلیلی این تعادل از بین برود بیماری بوجود می آید که باعث تغییر در (انرژی بدن) (و اجزای تشکیل دهنده بدن) و خروج کثافات (مواد ترشحاتی) از می شود. {۹/۳/۱}

کاربرد هوا؛ شرکت در عمل تنفس؛ حرکت دهنده هفت انرژی اصلی بدن؛ تأثیر و بهبود دادن عملکرد حواس پنج گانه و تأثیر درحالات فیزیکی بدن.

صفرا(جدول مکخریس) فقط در خون و عرق قرار دارد که در امر هضم؛ ساختن شیره معدی و مدفوع نقش دارد. ارتباط وسیعی با گرمای بدن دارد. دهنده انرژی است و باعث وضوح روح؛ ذهن؛ قدرت تفکر؛ پرورش دهنده آرزو است؛ توانایی درک اشکال اشیا را میدهد و باعث به وجود آمدن خطوط و رنگ پوست می شود؛ همچنین باعث فعالیت بدن می شود.

کار بلغم (جدول باد-کان): در تنظیم آب بدن نقش دارد؛ بیماری های بلغمی شامل افزایش چربی و چاقی؛ و بیماری های مفاصل میباشد {۳}: در نقل قول دیگری از ژود-چی؛ باد و بلغم منطبق با هوا و بلغم هستند. باد دردم و باز دم جریان دارد؛ انرژی دهنده و باعث حرکت بدن است؛ بهبود دهنده درک احساسات و فرمانده انرژی درونی بدن است.

حس گرسنگی و تشنگی؛ هضم؛ گرما و رنگ بدن؛ شجاعت؛ خردمندی مدیون صفرا است.

بلغم بوجود آورنده خواب؛ اندیشه و محکم کننده مفاصل؛ بوجود آورنده بافتهای نرم؛ چربی و استوار کننده بدن است. {۹} هر کدام از این سه انرژی اولیه در قالب پنج جریان وجود دارد که کننده اعمال خاصی در بدن هستند.

اما انرژی فیزیولوژیکی یعنی چه؟ در کتاب های قدیمی این سوال مفاهیم مختلفی دارد.

طبق تحقیقات محققین در طب تبتی و اطلاعات امروزی به دست آمده؛ مفهوم انرژی فیزیولوژی در طب تبتی یعنی توانایی بدن در خود تنظیمی؛ یعنی سه سیستم تنظیم گر به نامهای باد؛ صفرا و بلغم که امروزه آنها را با نام های سیستم عصبی؛ هورمونی و نورواندوکرین میشناسیم.

سیستم نورواندوکرین توانایی تنظیم و تطابق با تغییرات را دارند: {۸}

سیستم نورواندوکرین ترشخی - سلولهای ترشح کننده پپتید؛ ترشح مواد در بافت ها و مغز همگی محصول تنظیمات پپتید هستند.

در مدل پیشنهادی کلید این معما در نقل قول دیگری از مقاله تراکتات تبتی به نام یاقوت آبی. (اطلس پزشکی تبتی) می باشد. این عروق حاوی چهار رگ ' هوا ' که در اتصال با قلب و روده باریک؛ چهار رگ ' صفرا ' در اتصال با روده بزرگ و

کبد و کیسه صفرا؛ چهار رگ ' بلغم ' در اتصال با معده و طحال؛ کلیه ها و مثانه {۲}

قابل ذکر است که در مقالات شرقی؛ اصطلاح رگ تنها به معنی عروق خونی و رشته هاع عصبی نیست بلکه شامل مجاری غیر بصری که در آن جریان انرژی در گردش است نیز میباشد که این جریان انرژی باعث بقا و تکامل ارگانسیم می شود. فلسفه شرقی و دانشمندان بدن انسان را به صورت یک واحد سه جزیی در نظر می گیرند. ۱- بدن سببی یا علتی؛ ۲- جسم نرم؛ ۳- جسم خشن. بدن سببی: یعنی روح بی بدن که در زمان لقاح وارد رحم می شود و باعث رشد جنین می شود؛ و در ادامه از آن جسم نرم و جسم سخت ساخته می شود. جسم نرم در دو ماهه ابتدایی رشد جنینی به وجود می آید؛ که از تعداد بسیار زیادی رگ (کانال) که در آن جریان انرژی جاری است تشکیل می شود؛ این گونه بر داشت می شود که ابتدا سه رگ اصلی به وجود می آید. رگ اصلی- جریان؛ که محور اصلی جسم نرم می باشد که از ملاح تا ارگان های جنسی کشیده شده است؛ دو رگ اصلی دیگر در کنار آن از سمت راست و چپ کشیده شده اند؛ این سه رگ رشد میکنند و چاکرا ها را به وجود می آورند؛ که در نتیجه آن اطراف چاکرا ها شبکه ای از عروق کوچکتر به وجود می آید؛ این مجموعه نمایی از عروق هادی را به جا می گذارد که باعث کار ارگانهای حسی می شوند؛ و تداوم و تجدید بقا می شود. {۱}.

همان طور که می دانیم طب تبتی حدودا در قرن ۷ ق.م . به وجود آمده است. که در مسیر خود با تجربه های چند قرنی کشورهای قدیمی مانند هند؛ ایران؛ چین؛ رو به رو شده است که همه باعث تکامل یکدیگر شده اند. جریان هزار ساله رشد طب تبتی همچنین دستخوش تاثیرات مثبتی از مکتب های دیگر نیز شد. کشف ارتباط و عملکرد فیزیولوژی هوا؛ صفرا و بلغم با ارگان های تو پر و توخالی در نقل قول های کتاب های تبتی دقیقا از بنیان های تعلیمات هندی و چینی می باشد. این یکی از بنیان های طب سنتی شرق بود که در نطفه باقی ماند. بنابراین معنای انرژی فیزیولوژی را در طب تبتی میتوان به خلاصه اینگونه شرح داد: ارگان های گروهی . و گسترده آن به این مفهوم است: سه فیزیولوژی ابتدایی را مانند عملکرد دوازده مریدین اصلی در نظر میگیریم. از سه مدل محور های گروهی منطبق میتوان این مجموعه را انتخاب نمود.

1. GI-P-V-R, IG-C-VB-F, TR-MC-E-RP;

2. GI-P-E-RP, IG-C-V-R, TR-MC-VB-F;

3. GI-P-VB-F, IG-C-E-RP, TR-MC-V-R;

این مدل بیشترین هماهنگی را با کتاب برلیان آبی دارد (شکل ۱۰)

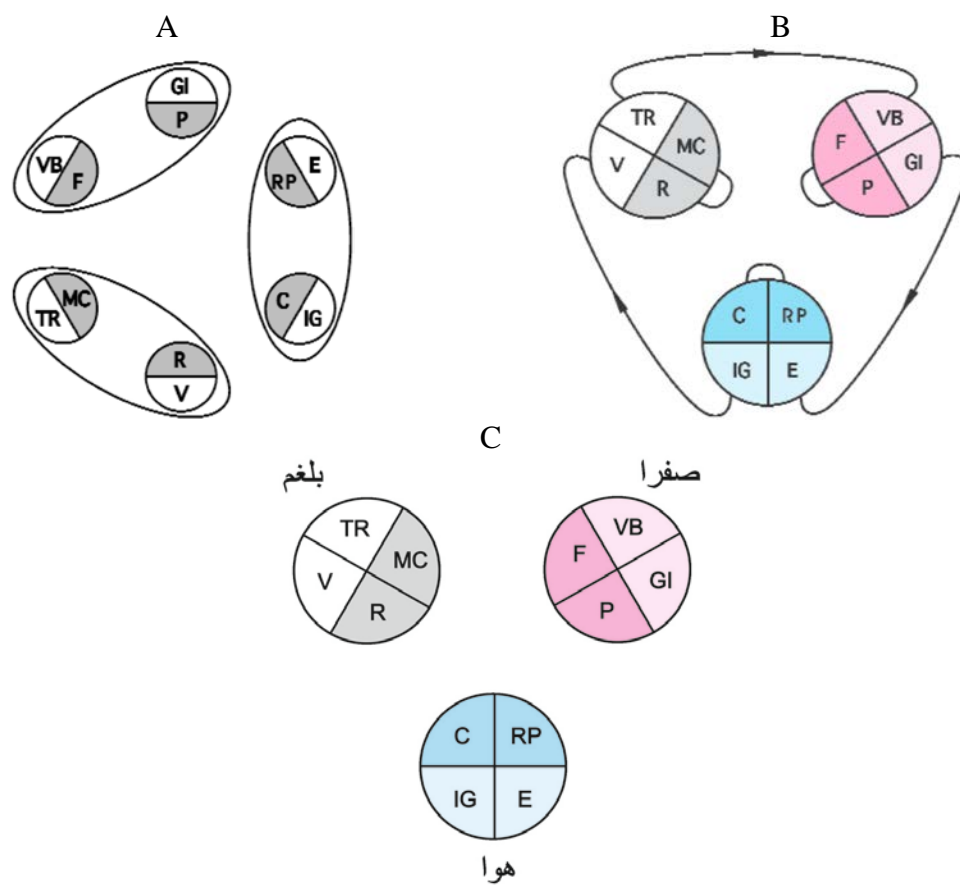
جدول ۵

	صفرا	بلغم	هوا
کتاب برلیان آبی	GI-P-VB-F	V-R-E-RP	IG-C
مدل انتگرالی	GI-P-VB-F	V-R-TR-MC	IG-C- E-RP

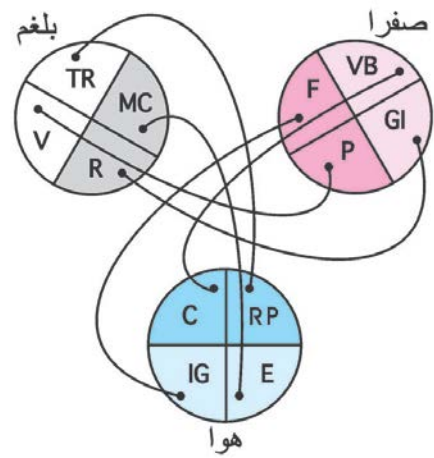
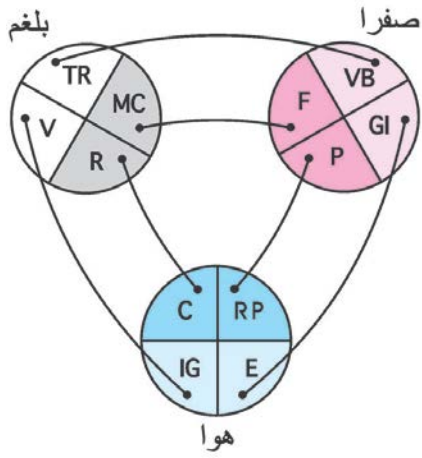
یاد آور می شویم که صفرا مدل پیشنهادی تشخیصی برای پزشکان تبتی بوده است. مسئله تئوری ده ارگان اصلی چینی هنوز با دو ارگان سه گرمکن و پریکارد کامل نشده بود که بعدها آن نیز کشف و به تئوری اضافه شد. شاید به همین دلیل باشد که دو گروه دیگر (هوا؛ بلغم) در بعضی موارد با هم منطبق می شوند.

سه گروه منطبق با فیزیولوژی اولیه در چرخه بزرگ انرژی مفهوم پیدامیکند. (شکل ۱۰ A, B, C)
حال تمام اتصالات مریدین ها گفته شده را در شکل ۹-۳ مشاهده می نمائید؛ مدل جدید آن را اینگونه در نظر می گیریم.

(شکل ۱۰ B)

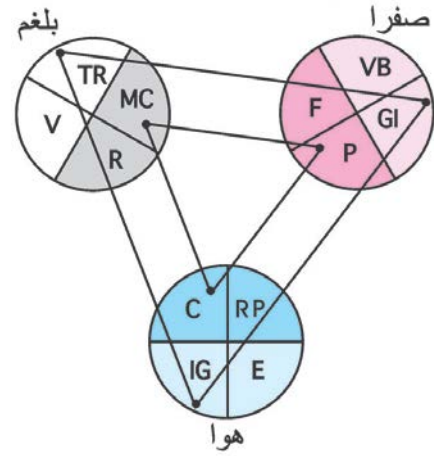
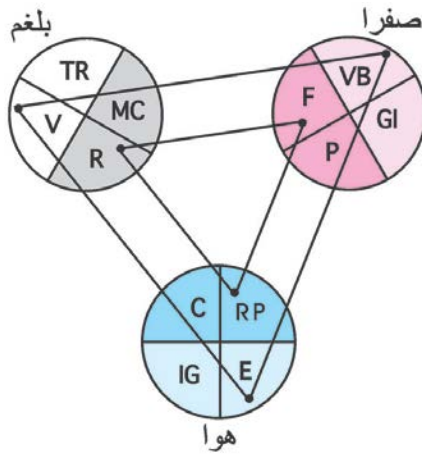


شکل ۱۰- سه گروه دوازده تایی مریدین ها



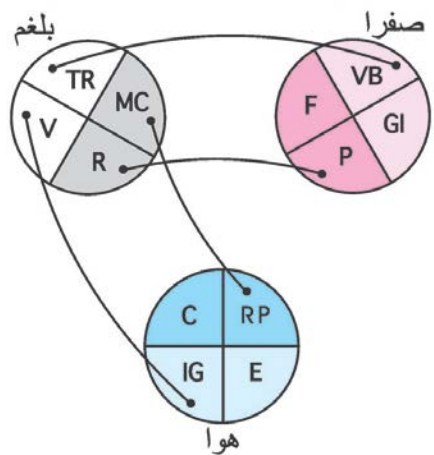
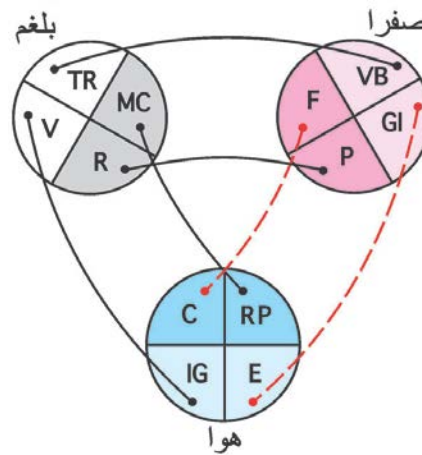
شکل ۱۱- شش مریدین اصلی بزرگ

شکل ۱۲- مریدین هایی که با قانون نیمه روز؛ نیمه شب به هم اتصال دارند.



شکل ۱۳- گروه مریدین های دست

شکل ۱۴- گروه مریدین های پاها



شکل ۱۵- شش چهارجفت مریدین های عجیب

شکل ۱۶- شش جفت مریدین های عجیب

ما می بینیم که بیشترین مریدین های اصلی. مریدین ها ارتباطات با " نیمه روز و نیمه شب " و گروه های دستی و مریدین های لازمه سیستم بسته ای که بین هم ارتباط دارند " بلغم؛ صفرا و هوا " (شکل های ۱۱ - ۱۴)؛ ولی در ارتباط با مریدین های عجیب رابطه بین صفرا و هوا قطع می گردد. (شکل ۱۵) . بدین طریق نتیجه میگیریم که همچنین دو جفت مریدین عجیب بدست می آید (شکل ۱۶) . (جدول شماره ۴).